فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۲۸۶-۲۵۳ Vol 3. No 27. 2018, p 253-286
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی مفهوم و ارکان مدیریتی شرکتهای تحت پوشش بورس در نظام حقوقی ایران و امارات

مژگان دانشور[1]*. مژده دانشور[1]. محمد مهدی صمیمی[1]
۱. گروه حقوق، واحد آباده، دانشگاه آزاد اسلامی، آباده، ایران

چکیده

مدیران شرکت‌های تحت پوشش بورس اشخاصی هستند که برای اداره امور شرکت انتخاب می‌شوند؛ اما همیشه مدیران منتخب در امور شرکت اعمال مدیریت نمی‌کنند، بلکه اشخاصی از پشت صحنه شرکت را مدیریت می‌کنند که بدان‌ها مدیر سایه گفته می‌شود. با توجه به آثار سوء مدیریت سایه در حقوق شرکت‌ها لازم است که مفهوم آن روشن و معیارهای شناسایی آن در راستای اعمال ضمانت اجرا ارائه شود. در آیین نامه حاکمیت شرکتی تأکید ویژه ای در استقرار نظام حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی شده و رابطه بین مدیران و حسابرسان مستقل از طریق کمیته حسابرسی شکل می گیرد. استقرار سیستم کنترلهای داخلی و به ویژه نظارت کمیته حسابرسی باعث افشای به موقع اطلاعات و اجتناب از نوسانات شدید سودهای برآوردی و دستکاری در قیمتها شود. حاکمیت شرکتی یک مجموعه روابطی بین سهامداران و مدیران و حسابرسان شرکت که متضمن برقراری نظام کنترلی بمنظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای درست مصوبات مجمع و جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی می باشد. این قانون که مبتنی بر نظام پاسخگویی و مسئولیت اجتماعی استوار است مجموعه ای از وظایف مسئولیتهایی است که باید توسط ارکان شرکت صورت گیرد تا موجب پاسخگویی و شفافیت گردد. توسعه بازار سرمایه و اهمیت حفظ حقوق سرمایه گذاران، افزایش مسئولیت های قانونی اعضای هیئت مدیره، افزایش مسئولیت های قانونی مدیران عامل، افزایش مسئولیت های قانونی مقام مالی شرکت ها و افزایش مسئولیت های قانونی حسابرسان از جمله دلایل اهمیت استقرار نظام راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) است. در این پژوهش به بررسی مفهوم و ارکان مدیریتی شرکتهای تحت پوشش بورس در نظام حقوقی ایران و امارات پرداته شده است.

واژه‌های کلیدی: مدیران، بورس، حسابرسی، مسئولیت اجتماعی، سهامدار.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه

مفهوم مدیریت و تمایز آن از مفاهیم مشابه

مدیران شرکت‌های تحت پوشش بورس اشخاصی هستند که برای اداره امور شرکت انتخاب می‌شوند؛ اما همیشه مدیران منتخب در امور شرکت اعمال مدیریت نمی‌کنند، بلکه اشخاصی از پشت صحنه شرکت را مدیریت می‌کنند که بدان‌ها مدیر سایه گفته می‌شود. با توجه به آثار سوء مدیریت سایه در حقوق شرکت‌ها لازم است که مفهوم آن روشن و معیارهای شناسایی آن در راستای اعمال ضمانت اجرا ارائه شود. با بررسی معیارهای شناسایی و ضمانت اجرای اعمال مدیریت سایه در حقوق امارات و ایران، نتایج ذیل حاصل شده است: مدیر سایه شخصی است که برای رهایی از مسؤولیت، شرکت را از پشت صحنه مدیریت می‌کند و در صورتی به‌عنوان مدیر سایه شناسایی می‌شود که بر اکثر اعضای هیأت مدیره کنترل مستمر داشته باشد.

مدیر سایه در حقوق امارات به‌عنوان مدیر شرکت محسوب می‌شود و ملزم به رعایت وظایف مدیران است و در صورت تخلف از وظایف، مسؤول واقع می‌شود، در صورتی که از مزایای مدیریت برخوردار نیست. مدیر سایه در حقوق ایران به موجب قواعد عام مسؤولیت مدنی، مسؤول واقع نمی‌شود.

ارکان اداره شرکتهای تحت پوشش بورس

ارکان اداره شرکتهای تحت پوشش بورس عبارت است از: الف) هیات مدیره ب) مدیر عامل

که در زیر به برخی از آن دسته از مقررات که در رابطه با وظایف و تعهدات مدیرعامل و مدیران هیأت مدیره در رابطه با شرکت های امارات متحده عربی (شرکت های سهامی (**JSCs**) و شرکت با مسئولیت محدود (**LLCs**)) در یک مجموعه از اسناد و قوانین وجود دارد اشاره می کنیم:

در نظام حقوقی امارات شرکت سهامی یا (**JSC**) حداقل از ۳ سهامدار تشکیل می‌شود. ریاست شرکت با یک رییس که دارای ملیت اماراتی است یا هیأت مدیره ای که باید اکثریت اعضا آن دارای ملیت اماراتی باشند، اداره می شود. سهام این شرکت‌ها به طور کلی به عنوان ابزار مذاکره قابل انتقال است.

براساس قوانین کشور امارات متحده عربی شرکت با مسئولیت محدود شرکت یا (**LLC**) حداقل از دو و حداکثر از پنجاه سهامداران تشکیل می شود. اداره این شرکتها نیز حداقل توسط یک مدیر و یا یک هیئت مدیره که می تواند از پنج تشکیل می دهند صورت می گیرد. سهام این شرکتها آزادانه قابل انتقال نیست، و همه نقل و انتقالات باید با توسط وزارت توسعه اقتصادی ثبت شود. در حال حاضر حداقل سرمایه مورد نیاز خاص وجود دارد. این شرکتها جهت انجام فعالیتهای خود نیازی به اخذ مجوز خاصی در خصوص موضوع فعالیت خویش ندارند مگر برای فعالیتهایی با موضوعات بانکداری، بیمه، و سرمایه گذاری به نمایندگی از اشخاص ثالث.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

الف- اسناد اساسی شرکت (تفاهم نامه و اساسنامه) در خصوص وظایف هیات مدیره و مدیر عامل

قانون شرکت های امارات متحده عربی و وزیران قطعنامه شماره ۵۱۸ سال ۲۰۰۹ از وزیر اقتصاد و رئیس هیئت مدیره بازار بورس اوراق بهادار و کالاهای مجاز امارات (**ESCA**) مربوط به قواعد حکومت و استانداردهای نظم و انضباط شرکت های بزرگ، است که به تازگی به تصویب رسید و شامل هر دو بازار مالی دبی[1] و یا ابوظبی بورس[2] امارات متحده عربی است.

ب ـ سایر قوانین در خصوص وظایف هیات مدیره و مدیر عامل

مسئولیت های بیشتر در دیگر قوانین، از جمله قانون مجازات و قانون معاملات تجاری، و همچنین بانکداری و بازارهای مالی قوانین مربوطه موجود است.

۱ـ ایجاد روش‌های گزارش دهی مالی: براساس ماده ۲۳۸ قانون شرکت های امارات متحده عربی، بررسی مسائل استراتژیک و مالی از سوی مدیران و ارائه گزارش منظم توسط آنان از وظایف مدیران شمرده شده است. آنها موظف هستند با اتخاذ روشهای منظم گزارش دهی مالی، در فرصتهایی معقول و منطقی که امکان حسابرسی مناسب نسبت به وضعیت مالی و چشم انداز شرکت می باشد، گزارشها را تنظیم کنند.

۲ـ وظیفه برای جلوگیری از تضاد منافع: ماده ۱۰۸ قانون شرکت های امارات متحده عربی موضوع ممنوعیت عمومی مدیران از رقابت با شرکت در صورت تضاد منافع در معاملات را فراهم می کند در ماده ۱۰۸ آمده است که یک مدیر حق ندارد به انجام یک فعالیت مشابه با کسب و کار شرکت بپردازد که توسط این شرکت انجام شده است، مگر اینکه از قبل به تایید سهامداران به دست آمده است.

۳ـ تکلیف به افشای منافع شخصی: ماده ۱۰۹ قانون شرکت‌های امارات متحده عربی بیان می‌کند که یک مدیر باید هیئت مدیره را از هر گونه منافع شخصی در یک معامله باخبر ساخته و در صورتی که معامله ای در تضاد با منافع شرکت دارد را برای تصویب به هیئت مدیره ارائه دهد.

۴ـ وظیفه برای تشکیل جلسات عمومی شرکت: مدیران باید حداقل یک جلسه در هر سال و در طول چهار ماه اول پس از پایان سال مالی تشکیل دهند. در این جلسه معمولاً به بررسی مسائل و موضوعات ذکر شده در دستور کار می‌پردازند، با این حال اصل ۲۴۷ قانون شرکت های امارات متحده عربی، همچنین بیان می‌دارد که در مورد موضوعات فوری و حیاتی که ممکن است در طول جلسه به وجود آید به بحث بپردازند و مدیران موظف به قبول درخواست برای بحث فوری هستند.

۵ـ وظیفه ایجاد نمایندگی و ارائه تصویر واضح از شرکت به اشخاص ثالث: مدیران با توجه ماده ۲۱ قانون شرکت های امارات متحده عربی باید یک تصویر واضح و روشن از شرکت به اشخاص ثالث ارائه نمایند.

---

1. DFM
2. ADX

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۶ـ وظیفه وفاداری: در حالی که ماده ۱۱۱ قانون شرکت های امارات متحده عربی دارای مقررات صریح مربوط به وظایف مدیران را بیان نموده است. مدیران شرکت، در برابر سهامداران و اشخاص ثالث مسئول همه اعمال تقلب، سوء استفاده از قدرت و سوء مدیریت ناشی از نقض اساسنامه شرکت خود می باشند.

مدیران باید از مقررات مربوط خاصی در قانون مدنی امارات متحده عربی آگاه باشد. به طور خاص، به موجب ماده ۶۶۵ از قانون مدنی امارات متحده عربی، مدیر در قبال از دست رفتن منافع شرکت به دلیل عملکرد خارج از حدود صلاحیت و اختیارات خود پاسخگوست. همچنین، طبق ماده ۶۶۷ از قانون مدنی امارات متحده عربی، مدیر حتی پس از استعفای خود مسئول خساراتی است که احتمالاً به شرکت وارد کرده است.

وظایف ضمنی

یکی از مفاد مهمی که در قانون شرکت های امارات متحده عربی در مورد مسئولیت یک مدیرشرکت سهامی **(JSC)** مقرر شده است. اصل مسئولیت اوست. ماده ۱۱۱ که بیان می باشد:

"رئیس و اعضای هیئت مدیره نسبت به شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث را برای همه اعمال تقلب، سوء استفاده از قدرت، نقض قانون و یا اساسنامه این شرکت، علاوه بر سوء مدیریت است مسئول می باشدن. هر یک از مقررات برخلاف این از درجه اعتبار ساقط است ".

وظایف و مسئولیت های مشابه به مدیران شرکتهای سهامی در شرکتهای بامسئولیت محدود(**LLCs**) نیز اعمال می شود.

از ماده ۱۱۱ به برخی از وظایف که برعهده یک مدیر قرار می گیرند، پی برده می شود. این وظایف عبارتند از:

۱ـ صداقت ـ این یک وظیفه است که در بسیاری از حوزه های قضایی به رسمیت شناخته شده است به معنای عمل به وظایف مطابق با قانون و در محدوده قدرت تنظیم شده در اساسنامه شرکت است.

۲ـ عدم سوءاستفاده از قدرت که احتمالا شامل یک وظیفه مشخص نیست. و می تواند شامل عدم بهره بردن از سود مخفی به دلیل موقعیت فرد به عنوان یک مدیر باشد.

همچنین دو وظیفه دیگر نیز براساس این قوانین وجود دارد:

یک وظیفه به میزان مراقبت و کنترل عملکرد نقش مدیر در شرکت و کاستن از دامنه سوء مدیریت باز می‌گردد و از سوی دیگر وظیفه ای که در در جهت منافع شرکت و سهامداران بر عهده دارد.

محدوده سوء مدیریت عبارت است از:

محدوده ای که یک شرکت (به نام خود یا به نمایندگی از همه سهامداران) و یا سهامداران آن به صورت جداگانه می توانند علیه یک مدیر عامل و یا یکی از اعضا هیأت مدیره برای سوء مدیریت مندرج در ماده ۱۱۱ که به موضوع حقوق مورد گسترده و یا تفسیر در امارات متحده عربی پرداخته است، شکایت کنند. از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

گذشته دادگاه مورد تائید دیوانعالی کشور، به نظر می رسد که یک سهامدار که از دست دادن منافعش به دلیل غفلت مدیر عامل و یا مدیر هیات مدیره شرکت از انجام کارهای که او ملزم بوده است تحت قانون شرکتها و یا قانون اساسی این شرکت انجام دهد، علیه او ادعا نماید.

یکی از موضوعاتی که به روشنی در قانون پیش بینی نشده است این است که در صورتی که مثلا مدیر از وظایف طبیعی خود عدول می کند و به سبب کم بودن سطح آموزش و تجربه انتظارات سهامداران را برآورده نمی کند آیا باز هم مسئول است؟

به نظر می رسد با توجه به جمله بندی ماده ۱۱۱، پتانسیل چنین ادعایی را نمی توان رد کرد.

وظایف مثبت برای جلوگیری از تضاد منافع

در قانون شرکت های امارات متحده عربی برای جلوگیری از تضاد منافع شده توسط مدیران مقررات مورد نیاز وجود دارد. ماده ۱۰۹ بیان می کند که یک مدیر عضو هیئت مدیره نباید هیچ علاقه شخصی در یک معامله که با منافع شرکت در تضاد است داشته باشد در صورت وجود چنین ارتباطی باید موضوع را برای تصویب به اطلاع هیئت مدیره اطلاع دهد. در چنین شرایطی، این مدیر مجاز به رای دادن در قطعنامه هیئت مدیره مربوط به آن معامله نمی باشد. توجه کنید که این بدان معنی است که علاقه باید قبل از اینکه شرکت وارد معامله شود افشا شود. علاوه بر این، ماده ۱۰۸ آمده است که یک مدیر حق ندارد برای رقابت با کسب و کار شرکت و یا انجام فعالیت در حساب خود که همان است که در هر یک از کسب و کار که توسط این شرکت انجام شده است وارد شود، مگر اینکه از قبل به تایید سهامداران برسد. و در مجمع عمومی و تصویب سالانه به تصویب برسد.

ماده ۱۱۱ قانون شرکتها تعهدات شخصی مدیران به شرکت و سهامداران راکه ممکن است شرکت را بدهکار سازد روشن می نماید. ماده ۱۱۳ نیز شرایط شکایت از اقدام علیه مدیر شرکت توسط شرکت را روشن می سازد. این عمل ممکن است توسط این شرکت به نمایندگی از تمام سهامداران صورت گیرد.

ماده ۱۱۴ همین قانون موضوع شکایت از سوی یکی از سهامداران را که به دلیل تخلفات مدیر یا مدیران شرکت ضرر دیده است را بیان می دارد.

قلمرو ماده ۱۱۱ گسترده است و این امکان را فراهم ساخته است که اشخاص ثالث نیز نسبت به تخلفات مدیران شرکت اقدام کنند. البته روشن نیست که آیا هیچ محدودیتی در توانایی شخص ثالث نسبت به ادعایی که در برابر یک مدیر نسبت به از دست دادن منافع خود می نماید وجود دارد یا نه و آیا ممکن است که در نتیجه اقدامات وی نسبت به مدیران، تبعاتی برای این شرکت وجود دارد یا نه؟

مسئولیت شخصی یک مدیر در برابر ضرری که به شخص ثالث به واسطه انعقاد قرارداد بدون مجوز وارد آمده است؛ مفروض است. در بسیاری از حوزه های قضایی، یک مفهوم صوری (یا آشکار) قدرت وجود دارد. به طور ساده، این مفهوم بدان معنی است که هر گونه تعهدات توسط مدیر عامل و یک شرکت در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقابل شخص ثالث بدون تقصیر برای شرکت الزام آور می باشد. بنابراین، اگر یک مدیر به درستی توسط این شرکت مجاز به امضای قرارداد به نمایندگی از این شرکت می باشد، شرکت موظف به اجرای قرارداد می‌باشد. در عوض، در صورت بروز ضرر، این شرکت می تواند علیه مدیری که تخلف نموده است مدعی باشد.

در مواجهه با وضعیت مشابه، در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود نیز دیوان عالی کشور چنین وضعیتی را پذیرفته است. و در صورتی که قراردادی به اجرا در آمده است و شخص ثالث در برابر مدیر که خارج از حدود اختیارات قانونی عمل کرده اند، حق شکایت دارد. در رابطه با شرکتهای سهامی **JSCs**، ماده ۱۱۰ از قانون شرکتها را فراهم می کند که این شرکت باید مسئول ب پرداخت غرامت برای از دست دادن ناشی از اقدامات غیر قانونی از مدیران خود را در این دوره از مدیریت شرکت است. بنابراین، به طور بالقوه، اشخاص ثالث برای جبران خسارت خود نسبت به اعنال خارج از حدود اختیارات قانونی اقدامات مدیران به شرکت رجوع می کنند.

مسئولیت جمعی

قانون شرکت های امارات متحده عربی بر این اصل استوار است که همه مدیران این شرکت به طور مشترک مسئول اعمال این شرکت ناشی از تصمیم هیئت مدیره می‌باشند. مسئولیت مشترک حتی به مدیرانی که در جلسه غایب بوده اند نیز گسترش یافته است مگر اینکه مدیر ثابت نماید که از این تصمیم آگاه نبوده و اگر حاضر بود قادر به مخالفت با مصوبه می بوده است. تنها استثنا در این قانون برای مدیران است که در جلسه حضور داشتند و کسانی که در مخالفت با مصوبه هیأت مدیره رای داده، تنها در صورت چنین اعتراضی است که اصل مسئولیت مشترک بر او اعمال نمی شود. در عمل، ممکن است برخی از مسئولیت های هیئت مدیره به کمیته های کوچکتر از مدیران و یا افراد واگذار گردد.

علاوه بر این قانون مجازات نیز نقش مهمی در تنظیم امور شرکت دارد.

این احتمال وجود دارد که ممکن است یکی از سرمایه گذاران یا اشخاص ثالث به دلیل اقدامات مدیران سرمایه خویش را از دست می‌دهد می توانند موضوع را به پلیس و دادستان های عمومی، گزارش دهند.

این تنها موردی است که در آن اعمال مربوط ممکن است به تقلب یا سوء استفاده از قدرت نباشد و در واقع، هر گونه نقض قانون شرکت ها یک جرم کیفری برای مدیر محسوب می‌شود، که حداقل، مشمول جریمه، طبق ماده ۳۲۳ است. علاوه بر این، جرائم خاص شرح داده شده تحت قانون شرکتها و سایر قوانین (از جمله قانون مجازات) ممکن است منجر به صدور حکم حبس برای مدیر شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ضمانت اجراهای لازم بر علیه مدیران در برابر نقض وظایف ایشان و حفاظت از ادعا

جبران خسارت مدنی اولیه در برابر مدیرانی که به دلیل عدم انجام وظایف و مسئولیت های خود خساراتی وارد آورده است به طور کلی دشوار است. برای همین در قوانین امارات متحده عربی تدابیری در این خصوص پیش بینی شده است. تعدادی از راه هایی است که مدیران ممکن است به دنبال محافظت از خود از ادعاهای علیه آنها وجود دارد:

۱ـ توسط شرکت اعطای غرامت در رابطه با هر میزان خسارات و هزینه های وارده در دفاع از ادعاها تضمین داده شود.

۲ـ پوشش دادن بیمه ای توسط مدیران در برابر خسارات و هزینه‌های که به دلیل تصمیمات و اقدامات خاص مدیران، به سهامداران شرکت وارد شود. امروزه سیاست پرداخت غرامت و بیمه در امارات متحده عربی به عنوان امری عادی در حمایت از مدیران شناخته می‌شود. و به این وسیله مدیران به دلیل برخورداری از چنین حمایتی توانسته اند بخشی از مسئولیت خود را کاهش دهند.

همانگونه که پیش از این نیز مطرح شد یکی از تدابیر مدیریتی در جهت حمایت از اشخاص در برابر عملکرد مدیران و تضمین مسئولیت مدیران در بورس مطرح می باشد مسئله حاکمیت شرکتی است. «حاکمیت شرکتی مناسب قواعد و رویه های حاکم بر روابط بین مدیران و سهام داران شرکت‌ها و همچنین ذینفعانی نظیر کارکنان و اعتبار دهندگان است که از طریق جلب اطمینان بازار، کمک به سلامت بازار و کارآیی اقتصادی را به امغان می آورد. حاکمیت شرکتی مطلوب و کارآمد موفقیت یک کسب و کار را تضمین نمی کند اما یکی از عواملی است که می تواند در موفقیت بلند مدت کسب و کار به آن کمک کند.»[۳]

در سپتامبر ۲۰۰۹، بورس دبی برای گسترش حاکمیت شرکتی، بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس نیز اقدامات گسترده ای را انجام داد. در ژوئن همین سال، بخش روابط سرمایه گذار رابه منظور گسترش روابط با سرمایه گذاران و همچنین بهبود شفافیت و حاکمیت شرکتی تشکیل داد. هدف از تشکیل این بخش تسهیل ارتباطات اثربخش بین سرمایه گذاران و مدیریت جهت بهبود فرآیند تصمیم گیری سرمایه گذاران می باشد. این امر همچنین به جذب سرمایه گذاران بین المللی کمک می‌کند.

حدود اختیارات مدیران شرکتهای تحت پوشش بورس

قواعد حاکم بر تعیین قلمرو و اختیارات مدیران

شرکتها می‌توانند دارای کلیه حقوق و امتیازاتی شوند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، اما اعمال این حقوق به لحاظ اعتباری بودن شرکتها از عهده آنان خارج است و به اشخاص حقیقی (مدیران) واگذار می گردد.

۳. بی نا، چرا حاکمیت شرکتی، بورس، خرداد ۱۳۹۱ – شماره ۹۹، ص ۴۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

امروزه حدود اختیارات مدیران، بیش از آنکه حاصل نظریه‌های صرف حقوقی باشد، از واقعیات و مصالح اقتصادی و اجتماعی نشأت گرفته است. بدین لحاظ نظریه‌های وکالت و نمایندگی که در بردارنده اختیارات محدود و رعایت تشریفات متعدد در معاملات برای مدیران بودند و با مقتضیات تجارت و مهمترین اصول آن یعنی امنیت و سرعت سازگاری نداشتند. کنار گذاشته شدند. بدین ترتیب نظریه «وحدت» یا «رکن بودن» که مفید اختیارات کامل برای مدیران در قبال اشخاص ثالث بود پا به عرصه وجود گذاشت. نظام حقوقی ایران نیز از این تحولات به دور نمانده و اختیارات کامل برای مدیران در مقابل اشخاص ثالث را پذیرفته‌است.[۴] البته اختیارات کامل مدیران در اداره شرکت در رابطه شرکت با اشخاص ثالث است، اما در رابطه مدیران با شرکت، مدیران باید در چهار چوب اختیارات تعیین شده عمل کنند و در صورت تجاوز از اختیارات اعطایی در مقابل شرکت مسئول خواهند بود، اگر چه اقدام آنها در مقابل اشخاص ثالث مؤثر است.

در مورد اختیارات مدیران ماده ۱۱۸ لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوّب ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۷ مقرر می‌دارد: جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای تمامی اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند. مشروط برآنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد.

برخی معتقدند اختیارات نامحدودی که ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ برای مدیر شرکت قائل شده است. از حدود اختیارات وکیل در مقابل موکل فراتر می رود و مدیر را به عنوان رکنی از ارکان شرکت معرفی می کند.[۵]

معاملات مدیران شرکتهای بورس

محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل است. بنابراین اساسا مدیران شرکت در زمان تصدی مدیریت فقط نمی‌توانند اقداماتی را انجام دهند که قانون یا اساسنامه شرکت آنها را منع کرده در غیر این صورت درمورد شرکت و در مورد اشخاص ثالث مسئولند و در صورت زیان رسیدن این افراد می‌توانند از مدیر عامل مطالبه خسارت کنند به طور مثال شرکت در اساسنامه آورده مدیرعامل حق ندارد معامله بیش از مبلغ خاصی را بدون مشورت با هیات مدیره انجام دهد.

اما مدیر معامله را انجام می‌دهد و سندی صادر می‌کند که هیات مدیره نیز می‌تواند این سند را ندیده گرفته و در این صورت تمام عواقب زیان دیدن این معامله بر عهده خود مدیرعامل خواهد بود که البته وی

---

۴. اسکینی، ربیعا؛ شریفی آل هاشم، سید الهام الدین، تحلیل اختیارات مدیران شرکتهای سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظامهای حقوقی ایران و انگلیس، مدرس علوم انسانی، زمستان ۱۳۷۹ – شماره ۱۷، ص ۱

۵. عسگری توانی، علی، ماهیت حقوقی رابطه مدیر با شرکتهای تجاری، دادرسی» آذر و دی ۱۳۸۳ – شماره ۴۷، ص ۸۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مخالفت خود را با این رویه اعلام می‌کند و متذکر می‌شود که در اکثر کشور های دنیا مدیر عامل یا هر مدیری صرف نظر از اساسنامه شرکت در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت در مورد شرکت متعهد است و مدیر عامل نیز مانند هیات مدیره اختیار دار است. به طوری که مشاهده می‌شود اگر چه مدیر عامل از جانب هیات مدیره انتخاب می‌شود و از طرف آنها به اعمال شرکت رسیدگی می‌کند اما مدیرعامل نیز اختیارات مشخص خود را دارد.

مسئولیت مدیران شرکتهای تحت پوشش بورس

«گردهم آمدن انسانها در چهارچوب جوامع بشری در عین آنکه زمینه را برای تاسیس تمدنها و پیشرفت فرهنگ فراهم نمود باعث بروز تزاحماتی بین حقوق افراد گردید و اگر در گذشته منطق و مکانیسم حاکم بر حل و فصل مشکلات ناشی از این پدیده ساده می‌نمود با صنعتی شدن جوامع جبران زیانهایی که از ثمرات زندگی ماشینی بود قواعد مسئولیت مدنی را ایجاد و رفته رفته کاملتر نمود. شرع اسلام در نخستین سالهای حیات خود با طرح قاعده "لاضرر و لاضرار فی الاسلام" اصلی‌ترین ستون بنای آراسته مسئولیت مدنی را پایه‌ریزی کرد.»[۶]

«واژه مسئولیت در زبان عربی مصدر جعلی از مسئول است و در آیات و روایات و احادیث اسلامی به معنی مورد بازخواست و مجازات واقع شدن به دلیل انجام یا خودداری از انجام کاری به کار رفته است و به این معنی با دو اصطلاح «تکلیف» و «اهلیت» در اصول مترداف است»[۷]

امروزه اصل ضرورت جبران ضرر از مهمترین و قدیمی ترین اصولی است که از گذشته به وجود امده و قواعد دیگر از آن به وجود آمده اند. در اسلام، قاعدم لاضرر، این همین نقش را برعهده دارد. «فقیهان اسلامی از آن به عنوان حکم ثانوی و محدود کننده استفاده کرده اند، تا هرجا که ضرر نامشروع یا نامتناسبی از احکام ناشی شود از آن پرهیز کنند. برای مثال، اگر حکم لزوم قراردادها در موردی باعث ایجاد ضرر شود، قاعده لاضرر این حکم را تعدیل می کند و برای زیان دیده حق بر هم زدن عقد را ایجاد می نماید. برهمین مبنا است که خیار فسخ، به عنوان وسیله جبران خسارت، با مسئولیت مدنی ارتباط پیدا می کند. به بیان دیگر، قاعده لاضرر ابزار اجرای عدالت و تأمین برابری سود و زیان و وسیله ایجاد تعادل در روابط اقتصادی و اجتماعی است»[۸]

---

۶. باقرزاده، مجتبی، شیوه های جبران خسارت در مسئولیت مدنی خارج از قرارداد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۷، ص چکیده

۷. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۲۸

۸. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

به معنای الزام حقوقی به جبران ضرر و زیان که شخص به دیگری وارد نموده است را در حقوق تحت عنوان قواعد مسئولیت مدنی مورد تعریف قرار می دهند. این ورود زیان ممکن است با فعل یا ترک فعل محقق گردد»[۹]

مسئولیت مدنی مدیران

در حقوق ایران ارکان مسئولیت مدنی ۳ چیز است ۱ـوجود ضرر ۲ـ فعل شخص (فعل زیانبار) ۳ـ رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر

الف ـ وجود ضرر: اگر ضرورت وجود ضرر برای مسئولیت مدنی در قانون مدنی نیامده به خاطر بدیهی بودن آن است ولی در قوانین دیگر از ضرر و ضرورت، جبران ضرر نام برده شده است. در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ آمده است:

«در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم خواسته بوده است. . . »

ورود ضرر باید اثبات شود «ولی در بعضی موارد ممکن است ورود ضرر در قرارداد یا به موجب قانون مفروض باشد. مثل خسارت تأخیر تأدیه یا وجه التزام. »[۱۰]

در مفهوم عرفی هرجا که نقصی دراموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت شخص لطمه ای وارد آید، می گویند ضرری به بار آمده است.[۱۱]لفظ خسارت را قانون تعریف نمی کند، لیکن قوانین ما مصادیق مختلفی از آن را تحت همین عنوان یا اسامی دیگر نام می برد. به عنوان نمونه، خسارت دادرسی، خسارت تأخیر تأدیه، خسارت حاصل از عدم انجام تعهد، خسارت تأخیر در انجام تعهد و یا عدم تسلیم محکوم به و ضرر مادی و معنوی و ضرر و زیان مادی و معنوی.[۱۲]

در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی کلمه ضرر، زیان، خسارت و غرامت به یک معنی استعمال شده است.[۱۳]ضرری که به شخص می رسد، ممکن است در اثر از رفتن مالی باشد(اعم از عین یا منفعت یا حق) یا در نتیجه از دست دادن منفعتی. امروزه عدم النفع نیز از زمره ضررهایی شناخته می‌شود که شخص ملزم به جبران آن می باشد. در زندگی اجتماعی ضررهای بسیاری ایجاد می‌گردد که بسیاری از آن ها لازمه زندگی اجتماعی است و عرف از آن می‌گذرد. در حقوق نیز ضررهایی قابل جبران شناخته می‌شود که نامتعارف. و غیرمشروع باشند. مسلم بودن، مستقیم بودن و جبران نشده بودن نیز از دیگر ویژگیهای ضرری است که قابلیت مطالبه داشته و متضرر می تواند با جمع این شرایط الزام مدیون را به جبران ضرر بخواهد.

۹. حسنی، علیرضا، هاشمی، سید رضا، رسانه ها و مسئولیت مدنی، ماهنامه قضاوت، مهر و آبان ۸۹۸، شماره ۶۶

۱۰. همان، ص ۷

۱۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ص ۳۸

۱۲. امیری قائم مقام، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، تهران، میزان، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲

۱۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۸، ص ۵۷۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

پاره ای از نویسندگان علاوه بر موارد گفته شده یکی دیگر از شرایط قابلیت مطالبه ضرر را در این دانسته‌اند که ضرر باید شخصی باشد نه عمومی[۴]این درحالی است که دسته ای از زیانها وجود دارند که شخص به طور مستقیم متحمل آن نمی شود و به دشواری می توان زیان دیده از آن را محدود به اشخاص معین کرد. در این حالت زیان به جمعی نامحصور وارد شده است و هیچ کس نمی تواند خود را زیان دیده اصلی بداند و از این بابت اقامه دعوی نماید. به عنوان نمونه وکیل یا پزشکی با رفتار ناپسند خود جامعه وکلا یا پزشکان را به بدنامی می کشد یا شکارچی طماع و نادانی با ابزار ممنوع یا خارج از فصل مجاز به صید می پردازد و منافع سایرین را به خطر می اندازد، یا در نمایشنامه ای اشتغال به حرفه ای معین تحقیر می‌شود و مانند اینها. . .[۵]این گونه خسارات به عنوان خسارت یا ضرر جمعی شناخته می شوند.

زیان هایی که بر اثر آنها مسئولیت مدنی ایجاد می شود به دو گروه متمایز تقسیم شده اند: ۱- خسارت مادی. ۲- خسارت معنوی.

مقصود از ضرر مادی، زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال (مانند سوختن خانه و کشتن حیوان) یا کاهش ارزش اموال (مانند کارخانه ای که از بهای املاک مجاور بکاهد) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص به آنان می رسد. و نیز صدمه هایی که به سلامت و حیات شخص وارد شده و زیان های مالی برای او به بار می آورد (مانند هزینه درمان و از کار افتادگی و کفن و دفن). بطور خلاصه می توان گفت: کاستن از دارایی شخص و پیش گیری از فزونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به اوست. چنانکه اشاره شد، ضرر مادی که به شخص می رسد ممکن است در اثر از بین رفتن مالی (اعم از عین یا حق) یا در نتیجه از دست دادن منفعتی باشد. مسئولیت مدیران و مدیرعامل شرکت، مانند مسئولیت مدنی عامل، مسئولیتی مبتنی بر خطاست ؛ بنابراین، برای آنکه مدیر یا مدیرعامل مسئول تلقی شوند باید هنگام انجام دادن وظایف خود مرتکب خطا شده باشند و این خطا موجب ضرر شده باشد؛ امری که در عمل تشخیص آن دشوار است، طبق قواعد عام نیز اثبات خطای مدیر و اینکه بین خطای مزبور و ضرر وارد شده رابطه علیت وجود دارد با مدعی ضرر است.

از این قاعده که بگذریم، مسئولیت های مدنی مدیران و مدیرعامل بر دو نوع است: مسئولیت عادی و مسئولیت تضامنی. رژیم تحقق این دو نوع مسئولیت در مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ بیان شده است که ابتدا در مورد انواع مسئولیت مدنی و سپس در مورد تشریفات اقامه دعوی علیه مدیران و مدیرعامل، به سبب تخلفشان توضیح خواهیم داد.

---

۱۴. فیلیپ لوتورنو، مسئولیت مدنی، ش ۴۳۳ به بعد به نقل از ناصر، کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۷۲

۱۵. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استیفاء، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۶، ص ۲۷۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

الف) انواع مسئولیت مدنی مدیران و مدیرعامل

مدیران و مدیرعامل با تخلف در انجام دادن وظایفشان ممکن است با دو نوع مسئولیت مواجه شوند: مسئولیت عادی و مسئولیت تضامنی.

۱. مسئولیت عادی. به موجب ماده ۱۴۲ لایحه قانونی۱۳۴۷: «مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود»؛ بنابراین، مدیران و مدیرعامل بر حسب مورد و بنا بر صلاحیتشان در موارد ذیل مسئول شناخته می شوند:

- هرگاه از مقررات قانونی راجع به شرکتهای سهامی تخلف کرده باشند؛ مانند وقتی که آنان مقررات مربوط به طرز تشکیل و طرز هیئت مدیره را رعایت نکرده باشند و تصمیماتی اتخاذ کرده باشند که باطل بوده و بطلان آن به اشخاص یا شرکت زیان وارد کرده است، یا وقتی که مقررات راجع به طرز تشکیل و دعورت مجامع عمومی را رعایت نکرده باشند، یا مرتکب عملی شده باشندکه قانون گذار آن را جرم تلقی کرده است(مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول، و تقلب مالیاتی).

- هرگاه مقررات اساسنامه را رعایت نکرده باشند؛ مانند زمانی که هیئت مدیره محدودیت هایی را که اساسنامه برای آنان مقرر کرده است رعایت نکرده باشد.

- هرگاه از تصممات مجمع عمومی تخلف کرده باشند. تخلف از مصوبات مجمع عمومی زمانی برای مدیران و مدیرعامل ایجاد مسئولیت می کند که این تصمیمات مخالف قانون نباشد؛ در غیراین صورت، آنان حق اجرای تصمیمات مذکور را ندارند؛ مانند تصمیم گیری مجمع عمومی در مورد انجام دادن معاملاتی که داخل در موضوع شرکت نیست.

در تمام موارد ذکر شده مسئولیت مدیران یا مدیرعامل یا انفرادی است، یا اشتراکی. لفظ اشتراکی در مقابل تضامنی قرار می گیرد؛ با این توضیح که در مسئولیت اشتراکی دادگاه سهم هر کدام از مدیران و مدیرعامل را که با هم مرتکب تخلف شده اند. در ورود خسارت و جبران آن معین می کند و هر کدام از آنان به پرداخت قسمتی از خسارت محکوم می شوند؛ در حالی که در مسئولیت تضامنی هر کدام از متخلفان به پرداخت تمام خسارت محکوم می شوند. چون مسئولیت تضامنی از مسئولیت عادی سخت تر است، قانون گذار آن را فقط به موردی اختصاص داده است که تخلف موجب ورشکستگی شرکت قبل از انحلال، یا عدم قدرت آن به پرداخت دیون بعد از انحلال شده باشد.

۲. مسئولیت تضامنی. ماده ۱۴۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر کرده است: «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیت دار می تواند به تقاضای هر ذی نفع هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحا معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید». در مورد این ماده چند نکته باید تذکر داده شود:

۱. اگر شرکت منحل نشده باشد نمی توان مدیران یا مدیرعامل مسئول را تعقیب کرد، مگر آنکه حکم ورشکستگی شرکت از دادگاه صالحه مطالبه شود و دادگاه این حکم را صادر کند. به عکس، پس از انحلال شرکت، عدم قدرت آن به پرداخت دیونش برای تحقق مسئولیت مدیران یا مدیرعامل کافی است و تقاضای صدور حکم ورشکستگی شرکت ضرورت ندارد، مشروط بر آنکه ثابت شود کافی نبودن دارایی شرکت برای پرداخت دیون آن ناشی از تخلف مدیران یا مدیر عامل بوده است.

۲. میزان خسارت قابل مطالبه از مدیران یا مدیرعامل متخلف محدود به آن قسمت از دیونی است که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، نه تمام دیون شرکت. اما، در صورتی که شرکت هیچ دارایی ای نداشته باشد با رعایت مقررات مندرج در ماده ۱۴۳ لایحه مذکور، مسئولان را می توان به پرداخت کل دیون شرکت محکوم کرد.

۳. در صورت تعدد متخلفان، مسئولیت مدیران و مدیرعامل تضامنی است؛ یعنی هر کدام از آنان به پرداخت کل آن قسمت از دیونی که شرکت قادر به پرداخت آن نیست محکوم می شوند. فایده این راه حل، نسبت به راه حل مسئولیت مدنی عادی، این است که اگر بعضی از مدیران یا مدیرعامل متخلف ورشکسته یا معسر بشوند، اشخاص ذی نفع می توانند به دیگران رجوع کنند. به هر حال، مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی، هر مدیر یا مدیر عاملی که با اجرای قاعده مسئولیت تضامنی مجبور شود کل خسارات را پرداخت کند، حق دارد بابت سهم هر کدام از مسئولان دیگر به آنان مراجعه کند.

۴. در صورت محکومیت مدیران شرکت، برای اجرای حکم دادگاه می توان از حاصل فروش سهام وثیقه‌ای آن خسارت وارد بر اشخاص ذی نفع را پرداخت کرد.[۱۶]

۵. چون دعوای موضوع ماده ۱۴۳ برای جبران کمبود دارایی شرکت به نسبت طلبهای اوست، حاصل دعوای مطرح شده علیه مدیران یا مدیرعامل متخلف باید به صندوق شرکت واریز شود تا بین طلبکاران تقسیم گردد. البته، تقسیم محکوم به بین طلبکاران، در صورتی که شرکت ورشکسته شده باشد، براساس مقررات ورشکستگی انجام می شود. [۱۷]

۶. اگر مدیری که به پرداخت خسارت محکوم شده است طوعاً خسارت را پرداخت نکند و شخصاً تاجر باشد، به ورشکستگی محکوم می شود. قانون گذار ما با اینکه این قاعده را از قانون ۱۹۶۶ فرانسه اقتباس کرده، تا آنجا پیش نرفته است که در هر صورت ـ چه مدیر تاجر باشد، چه نباشد ـ صدور حکم ورشکستگی شخصی او را مجاز تلقی کند.

---

۱۶. ماده ۱۱۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷

۱۷. ماده ۲۰۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۷. سرانجام اینکه مقررات ماده ۱۴۳ ـ مانند مقررات ماده ۱۴۲ ـ در مورد مدیری که نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در هیئت مزبور است نیز صادق است. شخص حقوقی را هم می توان به عنوان مدیر مسئول تلقی کرد؛ در چنین فرضی، شخص حقیقی نماینده با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین کرده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت. [۱۸]

ب) اقامه دعوای ناشی از مسئولیت مدنی مدیران و مدیرعامل

به طور کلی، کسی حق اقامه دعوای نشای از مسئولیت مدنی را دارد که از تخلف مدیران یا مدیرعامل شخصاً زیان دیده باشد. این شخص ممکن است یکی از سهام داران شرکت باشد، یا یک شخص ثالث. علاوه بر این، قانون گذار پیش بینی کرده است که هرگاه بر اثر تخلف مدیران و مدیرعامل شرکت زیان دیده باشد، اقامه دعوی به نفع شرکت نیز امکان پذیر است؛ به همین دلیل، دعوای ناشی از مسئولیت مدنی مدیران و مدیرعامل از قدیم به دو نوع تقسیم شده است: دعوای مستقیم، یعنی دعوای ذی نفع به حساب خود او، و دعوای غیرمستقیم، یعنی دعوای شریک به نام شرکت.

۱. دعوای مستقیم. منظور از دعوای مستقیم، اقامه دعوای شخص زیان دیده علیه مدیران و مدیرعامل متخلف است. این شخص ممکن است خود شرکت باشد، یا اینکه از سهام داران شرکت و یا طلبکاران آن.

اول: دعوای شرکت به منظور جبران خسارت وارد بر خود. این دعوی زمانی مطرح می شود که بر اثر تخلف مدیر یا مدیران دارایی شرکت کاسته شده باشد؛ در این صورت، اصولاً مدیران اقامه دعوی خواهند کرد. هرگاه فقط یک مدیر متخلف باشد، مدیران دیگر به نیابت از طرف شرکت علیه او اقامه دعوی خواهند کرد؛ اما، اگر همه مدیران متخلف باشند، چون بالطبع علیه خود اقامه دعوی نخواهند کرد، شرکت نمی تواند دعوای شخصی مطرح کند؛ بنابراین، قانون گذار به بعضی از سهام داران اجازه داده است شخصاً به نام شرکت اقامه دعوی کنند که در قسمت بعد دربارهٔ آن توضیح خواهیم داد.

دوم: دعوای اشخاص دیگر به منظور جبران خسارت وارد بر خود. این اشخاص ممکن است سهامدار شرکت باشند، یا طلبکار آن. شخص نمی تواند زیان وارد بر شرکت را مطالبه کند. مثال بارز این مورد زمانی است که مدیرعاملی، به جای تقسیم سود میان شرکا، سهم بعضی از آنان را به نفع خود برداشت کند. این اشخاص می توانند علیه او اقامه دعوی شخصی کنند و حاصل دعوی نیز به خود آنان تعلق خواهد گرفت، نه شرکت.

۲. دعوای غیرمستقیم. این دعوی، همان طور که گفتیم، وقتی مصداق دارد که مدیران و مدیرعامل، به سببی از اسباب، خسارت وارد بر شرکت به دلیل تخلف مدیران را مطالبه نمی کنند. قانون گذار در ماده ۲۷۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷، در چنین فرضی، پیش بینی کرده است: «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می توانند، در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای

۱۸. قسمت دوم ماده ۱۱۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

هیئت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود، علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارت شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه ای که از طرف اقامه کنندهٔ دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه کنندگان دعوی، پرداخت کلیه هزینه ها و خسارات به عهده آنان است».

مسئولیت کیفری مدیران

الف) مسئولیت مدیران شرکتها در نظام حقوقی ایران

از آنجایی که اراده اشخاص حقوقی توسط مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره که نمایندگان قانونی شخص حقوقی می باشند، ابراز می گردد و ممکن است این نمایندگان در برابر و ظایف محوله به آنها مرتکب فعل یا ترک فعلهایی شوند که بر هم زننده نظم عمومی و منافی حقوق اشخاص ثالث باشند مقنن با جرم انگاری این رفتارها را در موادی از قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن و قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار داد و با به کارگیری صحیح و به موقع این مقررات کمک شایانی به حفظ حقوق افراد نموده است. [۱۹]

برخی از مهمترین مسئولیتهای کیفری مدیرعامل و هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عبارتند از:

۱ـ عدم مطالبه ی قسمت پرداخت نشده ی مبلغ اسمی سهام شرکت، ظرف مهلت مقرر در اساسنامه‌ی شرکت. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیأت مدیره و اعضای هیات مدیره شرکت است و مجازات آن از دو تا شش ماه حبس یا ۳۰ تا ۳۰۰ هزار ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات خواهد بود .[۲۰]

۲- عدم دعوت مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام برای کاهش سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سهام ظرف دو ماه قبل از پایان مهلتی که اساسنامه شرکت برای مطالبهٔ قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام مقرر کرده است. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت است و مجازات آن حبس از دو تا شش ماه یا ۳۰ تا ۳۰۰ هزار ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات خواهد بود .[۲۱]

۳- صدور اوراق قرضه قبل از پرداخت کلیه ی سرمایه شرکت. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت است و مجازات آن حبس از دو تا شش ماه یا ۳۰ تا ۳۰۰ هزار ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات خواهد بود .[۲۲]

---

۱۹. سلامی، موسی رضا، مسئولیت کیفری مدیران شرکت ها تجاری در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه قم، ۱۳۸۷، ص چکیده

۲۰. بند ۱ ماده ی ۲۴۶ با توجه به ماده ۳۳ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲۱. بند ۱ ماده ی ۲۴۶ با توجه به ماده ی ۳۳ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲۲. (بند ۲ ماده ی ۲۴۶ با توجه به ماده ی ۳۳ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۴- اجازه ی صدور اوراق قرضه قبل از پرداخت کلیه ی سرمایه ی شرکت. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت است و مجازات آن حبس از دو تا شش ماه یا ۳۰ تا ۳۰۰ هزار ریال جزای نقدی یا هر دو مجازات خواهد بود. [۲۳]

۵- صدور اوراق قرضه قبل از پرداخت کلیه سرمایه ی ثبت شده شرکت سهامی عام و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه توسط مجمع عمومی صاحبان سهام. این مسئولیت فقط متوجه ی رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت سهامی عام است و مجازات آن از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال جزای نقدی خواهد بود. [۲۴]

۶- صدور اوراق قرضه در حالی که در اساسنامه ی شرکت، انتشار آن پیش بینی نشده و هیأت مدیره، پیشنهاد انتشار آن را جهت تصویب و تعیین شرایط آن، به مجمع فوق العاده صاحبان سهام، نداده و مصوبه مجمع فوق العاده صاحبان سهام را اخذ نکرده و یا پس از مصوبه ی مجمع مذکور خارج از مهلت مقرر قانونی (دو سال) اوراق قرضه منتشر کرده باشد. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت است و مجازات آن حبس از سه ماه تا دو سال و از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال جزای نقدی خواهد بود .[۲۵]

۷- عدم قید نکات دهگانه ی مندرج در ماده ۶۰ قانون تجارت در اوراق قرضه. این مسئولیت متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت است و مجازات آن از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال جزای نقدی خواهد بود .[۲۶]

۸- تنظیم ننمودن صورت حاضرین در مجمع عمومی صاحبان سهام، که در آن هویت کامل، اقامتگاه، تعداد سهام و آراء هریک از حاضرین قید نشده و به امضاء آنان نرسیده باشد. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت است و مجازات آن از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال جزای نقدی خواهد بود .[۲۷]

۹- دعوت ننمودن عمدی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام در هر سال برای انتخاب بازرس شرکت. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت است و مجازات آن حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود .[۲۸]

---

۲۳. بند ۲ ماده ی ۲۴۶ با توجه به ماده ی ۳۳ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲۴. ماده ی ۲۵۰ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲۵. ماده ی ۲۵۱ با توجه به ماده ی ۵۶ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲۶. ماده ی ۲۵۲ با توجه به ماده ی ۶۰ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲۷. ماده ی ۲۵۵ با توجه به ماده ی ۹۹ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۲۸. ماده ی ۲۵۹ با توجه به ماده ی ۱۴۴ قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱۰- عدم دعوت بازرس شرکت به مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت. این مسئولیت فقط متوجه رئیس هیات مدیره و اعضای هیأت مدیره شرکت است و مجازات آن حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۲۹]

۱۱- ممانعت عمدی در انجام وظایف بازرسان شرکت. این مسئولیت متوجه رئیس هیات مدیره، اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن حبس از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۳۰]

۱۲- اخلال عمدی در انجام وظایف بازرسان شرکت. این مسئولیت متوجه رئیس هیات مدیره، اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن حبس از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۳۱]

۱۳- در اختیار نگذاردن مدارک و اسنادی که برای انجام وظایف بازرسان لازم است. این مسئولیت متوجه رئیس هیات مدیره، اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن حبس از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۳۲]

۱۴- صدور و انتشار سهام یا قطعات سهام جدید قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۳۳]

۱۵- صدور و انتشار سهام یا قطعات سهم جدید بر اساس ثبت افزایش سرمایه به صورت مزورانه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۳۴]

۱۶- صدور و انتشار سهام یا قطعات سهام جدید بر اساس ثبت افزایش سرمایه بدون رعایت تشریفات قانونی لازم. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۳۵]

۱۷- صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهم جدید قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن حبس از ۲ تا ۶ ماه و جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۳۶]

---

۲۹. ماده ی ۲۵۹ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۰. ماده ی ۲۶۰ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۱. ماده ی ۲۶۰ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۲. ماده ی ۲۶۰ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۳. ماده ی ۲۶۱ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۴. ماده ی ۲۶۱ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۵. ماده ی ۲۶۱ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱۸- عدم رعایت حق تقدم صاحبان سهام (به جز در موارد قانونی) به هنگام افزایش سرمایه نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۳۷]

۱۹- در نظر نگرفتن مهلتی که باید برای صاحبان سهام در پذیره نویسی سهام جدید در نظر گرفته شود. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود .[۳۸]

۲۰- عدم رعایت حق دارندگان اوراق قرضه قابل تعویض با سهام نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود .[۳۹]

۲۱- انتشار اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام قبل از انقضاء مدت لازم جهت تعویض اوراق قرضه قبلی قابل تعویض با سهام شرکت. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۴۰]

۲۲- مستهلک نمودن سرمایه ی شرکت قبل از تبدیل اوراق قرضه به سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود .[۴۱]

۲۳- مستهلک نمودن سرمایه ی شرکت قبل از تعویض اوراق قرضه با سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۴۲]

۲۴- مستهلک نمودن سرمایه ی شرکت قبل از باز پرداخت مبلغ اوراق قرضه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود. [۴۳]

---

۳۶. ماده ی ۲۶۱ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۷. بند ۱ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۸. بند ۱ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۳۹. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۴۰. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۴۱. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۴۲. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۴۳. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲۵- کاهش سرمایه شرکت از طریق باز خرید سهام قبل از تبدیل اوراق قرضه به سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۴۴]

۲۶- کاهش سرمایه ی شرکت از طریق باز خرید سهام قبل از تعویض اوراق قرضه با سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود .[۴۵]

۲۷- کاهش سرمایه ی شرکت از طریق باز خرید سهام قبل از باز پرداخت مبلغ اوراق قرضه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۴۶]

۲۸- اقدام به تقسیم اندوخته قبل از تبدیل اوراق قرضه به سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۴۷]

۲۹- اقدام به تقسیم اندوخته قبل از تعویض اوراق قرضه با سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۴۸]

۳۰- اقدام به تقسیم اندوخته قبل از باز پرداخت مبلغ اوراق قرضه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۴۹]

۳۱- تغییر در نحوه ی تقسیم منافع قبل از تبدیل اوراق قرضه به سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود .[۵۰]

۳۲- تغییر در نحوه ی تقسیم منافع قبل از تعویض اوراق قرضه با سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود .[۵۱]

۴۴. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۴۵. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۴۶. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۴۷. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۴۸. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۴۹. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۵۰. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۳۳- تغییر در نحوه ی تقسیم منافع قبل از بازپرداخت مبلغ اوراق قرضه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۵۲]

۳۴- ارائه ی عمدی اطلاعات نادرست به مجمع عمومی صاحبان سهام به قصد سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن حبس از شش ماه تا سه سال یا جزای نقدی از ۱۰۰ هزار تا یک میلیون ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۵۳]

۳۵- تصدیق عمدی اطلاعات نادرست ارائه شده به مجمع عمومی صاحبان سهام به قصد سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن حبس از شش ماه تا سه سال یا جزای نقدی از ۱۰۰ هزار تا یک میلیون ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۵۴]

۳۶- عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام به صورت عمدی در مورد کاهش سرمایه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۵۵]

۳۷- عدم تسلیم عمدی پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل ۴۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۵۶]

۳۸- عدم نشر عمدی آگهی تصمیم مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام دائر بر تصویب کاهش سرمایه شرکت و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیر الانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود.[۵۷]

۳۹- عدم دعوت مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت تصمیم گیری در مورد بقاء یا انحلال شرکت ظرف حداکثر دو ماه از تاریخ از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده. این

---

۵۱. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۵۲. بند ۲ ماده ی ۲۶۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۵۳. ماده ی ۲۶۳ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۵۴. ماده ی ۲۶۳ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۵۵. بند ۱ ماده ی ۲۶۴ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۵۶. بند ۲ ماده ی ۲۶۴ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۵۷. بند ۳ ماده ی ۲۶۴ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن ۲ تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۵۸]

۴۰- عدم ثبت آگهی تصمیم مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام دائر بر بقاء یا انحلال شرکت در موردی که بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده از بین رفته است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ برگزاری مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن ۲ تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۵۹]

۴۱- عدم دعوت از مجمع عمومی عادی صاحبان سهام حداکثر تا شش ماه پس از پایان هر سال مالی. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن ۲ تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۶۰]

۴۲- عدم تنظیم صورت دارائی و دیون شرکت در پایان سال مالی و عدم تنظیم ترازنامه و حساب عملکرد و سود و زیان همراه با گزارش فعالیت و گزارش وضع عمومی شرکت طی سال مالی مربوطه تا حداقل ۲۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن ۲ تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۶۱]

۴۳- عدم تسلیم صورت دارایی و دیون سال مالی مربوطه تا حداقل ۲۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام به بازرسان شرکت. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره است و مجازات آن ۲ تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال یا هر دو مجازات خواهد بود.[۶۲]

۴۴- تقسیم منافع موهوم بین صاحبان سهام بدون صورت دارایی و ترازنامه. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۶۳]

۴۵- تقسیم منافع موهوم بین صاحبان سهام بر اساس صورت دارایی و ترازنامه مزور. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۶۴]

---

۵۸. ماده ی ۲۶۵ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۵۹. ماده ی ۲۶۵ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۶۰. ماده ی ۲۵۴ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۶۱. ماده ی ۲۵۴ با توجه به ماده ۲۳۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۶۲. ماده ی ۲۵۴ با توجه به ماده ۲۳۲ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۶۳. بند ۱ ماده ی ۲۵۸ با توجه به ماده ی ۲۴۰ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۶۴. بند ۱ ماده ی ۲۵۸ با توجه به ماده ی ۲۴۰ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۴۶- ارائه ترازنامه ی غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۶۵]

۴۷- انتشار ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۶۶]

۴۸- استفاده از اموال شرکت بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۶۷]

۴۹- استفاده از اموال شرکت بر خلاف منافع شرکت برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود در آن مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع می باشند. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۶۸]

۵۰- استفاده از اعتبارات شرکت بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۶۹]

۵۱- استفاده از اعتبارات شرکت بر خلاف منافع شرکت برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۷۰]

۵۲- استفاده از اختیارات با سوء نیت بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۷۱]

۵۳- استفاده از اختیارات با سوء نیت بر خلاف منافع شرکت بخاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند. این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل است و مجازات آن ۱ سال تا ۳ سال حبس خواهد بود.[۷۲]

۶۵. بند ۲ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۶۶. بند ۲ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۶۷. بند ۳ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۶۸. بند ۳ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۶۹. بند ۳ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۷۰. بند ۳ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۷۱. بند ۴ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
۷۲. بند ۴ ماده ی ۲۵۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۵۴- عدم دعوت مجمع عمومی عادی یا مجمع فوق العاده فوق العاده ی صاحبان سهام برای تبدیل اجباری شرکت سهامی به نوع دیگری از شرکتهای مذکور در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره و اعضای هیات مدیره است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال همراه با مسئولیت تضامنی در جبران خسارت ناشی از انحلال احتمالی شرکت در برابر صاحبان سهام و اشخاص ثالث خواهد بود .[۷۳]

۵۵- عدم دعوت مجمع عمومی عادی یا مجمع عمومی فوق العاده ی صاحبان سهام برای تطبیق وضع شرکت با مقررات لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ این مسئولیت متوجه رئیس هیأت مدیره و اعضای هیات مدیره است و مجازات آن جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال همراه با مسئولیت تضامنی در جبران خسارت ناشی از انحلال احتمالی شرکت در برابر صاحبان سهام و اشخاص ثالث خواهد بود .[۷۴]

حاکمیت شرکتی

در سال های اخیر پیشرفت های قابل ملاحظه ای در استقرار نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی از طریق قانون گذاری و نظارت و نیز اقدامات داوطلبانه شرکت ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه صورت گرفته است.

در ادبیات سازمانی دو مفهوم عمده، متفاوت و مکمل برای بقاء و پیشرفت سازمانها مورد بررسی قرار می گیرد. مفهوم اول مفهوم مدیریت سازمان ومفهوم دیگر مفهوم جاکمیت سازمان است. در مفهوم مدیریت سازمان تأکید عمده بر روش های دستیابی به اهداف سازمانی است، در حالی که مفهوم حاکمیت شرکتی یک مفهوم نظارتی است. در حاکمیت شرکتی توجه عمده به ساز و کارها و دینامیک های تسهیل کننده ها و ممکن کننده های حیاتی سازمان ها از طریق نظارت است. حاکمیت شرکتی در معنای وسیع تر آن به دنبال ایجاد موازنه میان اهداف اقتصادی ـ اجتماعی و اهداف شخصی ـ گروهی است .[۷۵]

نظام حاکمیت شرکتی ساختاری را فراهم می کند که از طریق هدف های بنگاه تنظیم و وسایل دستیابی به هدف ها و نظارت بر عملکرد تعیین می شود. این نظام انگیزه لازم را برای تحقق اهداف بنگاه را در مدیریت ایجاد و زمینه نظارت موثر را فراهم می کند. به این ترتیب شرکت ها منابع را با اثربخشی بیشتری به کار می گیرند. [۷۶]

---

۷۳. ماده ی ۲۹۷ با توجه به ماده ی ۵ و با لحاظ ماده ی ۲۹۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۷۴. ماده ی ۲۹۷ با لحاظ ماده ی ۲۹۸ لایحه ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت

۷۵. زارعی، رضا؛ ایرانی، هادی؛ ایرانی، مهدی، حاکمیت شرکتی: بررسی اصول و مبانی و مفاهیم، بورس:: اردیبهشت ۱۳۹۲ – شماره ۱۰، ص ۲۴

۷۶. مکرمی، یدالله، اصول نظام راهبری بنگاه، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۲، ۱۳۸۵، ص ۳۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اصول حاکمیت شرکتی عبارت است از:

ایجاد زیربنای لازم برای اجرای کارآمد اصول حاکمیت شرکتی

اصل دوم ـ حمایت از حقوق سهامدارن عمده و جزء

رفتار یکسان با سهام داران

اصل چهارم ـ توجه و به رسمیت شناختن نقش کارمندان در حاکمیت شرکتی

اصل پنجم ـ شفافیت در افشای اطلاعات

اصل ششم ـ مشخص کردن دقیق مسئولیت های هیأت مدیره [۷۷]

نظام حاکمیت شرکتی ابزاری است که هدایت کلی شرکت، نظارت و کنترل اقدامات مدیریت اجرایی در راستای منافع سهامداران و برآوردن انتظارات قانونی و منافع ورای مرزهای شرکت را در بر می گیرد. [۷۸]

نظام حاکمیت شرکتی که با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی سر و کار دارد. موجب ترغیب استفاده کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی شرکت ها در خصوص ایفای وظیفه مباشرت برای اداره منابع می شود. توجه حاکمیت شرکتی کارآ و افزایش کارآیی در قراردادهای فی مابین ذی نفعان به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت ها و واحدهای اقتصادی، که تمام یا بخشی از سرمایه آن ها از طریق مردم تأمین شده است، منجر به تخصیص کارآیی منابع و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی می شود. [۷۹]

رهنمودها و دستورالعمل های حاکمیت شرکتی در متن چارچوب های قانونی، مقرراتی و قواعد پذیرش بورس اوراق بهادار کشورهای مختلف و ارزش های گوناگون اجتماعی کشورها و تحت تأثیر آنها بوجود می آید. با وجود این که هیأت مدیره یک مکانیزم داخلی مهم برای ملزم کردن مدیریت پاسخگویی است، حاکمیت شرکتی موثر به ساز و کارهایی حاکم بر انجام معاملات عمده، اعمال مقررات اوراق بهادار، قانون شرکت ها، استانداردهای حسابداری و حسابرسی، قوانین ورشکستگی و قضایی بستگی داردو بوسیله آنها تقویت می شود. بنابراین، برای درک رویه های حاکمیت شرکتی در یک کشور باید هم اسناد رویه مطلوب و هم چارچوب های قانونی و اجرایی زیربنایی آن را درک نمود.

بعضی دستورالعمل های حاکمیت شرکتی با الزامات پذیرش در بورس اوراق بهادار یا الزامات قانونی افشا مرتبط هستند. بعضی دیگر ماهیت داوطلبانه دارند ولی ممکن است برای پیشگیری از وضع مقررات حکومتی یا پذیرش در بورس اوراق بهادار طراحی شده باشند. دستورالعمل های حاکمیت شرکتی در کشورهای در حال توسعه بیشتر به اصول اولیه جاکمیت شرکتی مثل برخورد یکسان با سهامدارن، نیاز به افشای قابل اتکا و به هنگام اطلاعات عملکرد و مالکیت شرکت، و برگزاری مجامع عمومی می پردازند که

---

۷۷. زارعی، رضا؛ ایرانی، هادی؛ ایرانی، مهدی، پیشین

۷۸. حساس، یگانه، تأثیر حاکمیت شرکتی در گسترش بازار سرمایه برخی از کشورها، مجله حسابدار، سال بیستم، شماره ۱۷۲، ص ۴۵

۷۹. قالیباف اصل، حسن؛ جعفری، سیده محبوبه، حاکمیت شرکتی و توسعه بازار سرمایه، بورس:: اردیبهشت ۱۳۹۲ – شماره ۱۰، ص ۱۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

معمولاً در کشورهای توسعه یافته از طریق قانون شرکت ها و مقررات بورس اوراق بهادار ساخت یافته تر هستند.

دستورالعمل های رویه های مطلوب عمدتاً دامنه وسیعی از رویه های داخلی را دربرمی گیرندولی با وجود این که جزئیات مربوطه در کشورها و مناطق مختلف است اغلب موارد کلی زیر را شامل می شود.

ـ مأموریت و مسئولیت های هیأت مدیره

ـ تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل

ـ ترکیب و صلاحیت هیأت مدیره استقلال اعضای هیأت مدیره و استفاده از خدمات مشاوره خارجی

ـ استفاده از کمیته های هیأت مدیره مثل کمیته های حسابرسی، انتصابات و حق الزحمه

ـ میزان حقوق و میزان رأی دهی سهامداران

ـ ماهیت سیاستهای تعیین حق الزحمه مدیران اجرایی

بررسی اولیه رهنمودها و دستورالعملهای مختلف نشان می دهد که هیچ سیستم منحصر به فردی برای حاکمیت مطلوب وجود ندارد. هرکشوری فرهنگ شرکتی، ویژگی های محیطی و اولویتهای ملی خاص خود را دارد.

در کشورهای مختلف برای اجرای حاکمیت شرکتی دو نوع روش را در نظر می گیرند.

۱- حاکمیت شرکتی برون‌سازمانی. عبارت برون‌سازمانی به سیستم های تامین مالی و حاکمیت شرکتی اشاره دارد. در این سیستم‌ها، شرکت‌های بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون‌سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل(مدیریت) می‌شود. اگرچه در سیستم‌های برون‌سازمانی، شرکت ها مستقیماً توسط مدیران کنترل می‌شوند، اما به طور غیرمستقیم نیز تحت کنترل اعضای برون‌سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور، نهادهای مالی و همچنین سهامداران خصوصی هستند. در امریکا و بریتانیا، سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ که مشخصه سیستم برون‌سازمانی هستند، تاثیر چشم‌گیری بر مدیران شرکت ها دارند.

حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی، سیستمی است که در آن شرکت های فهرست‌بندی شده یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده موسس یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانک های اعتباردهنده، شرکت های دیگر یا دولت باشند.

به سیستم‌های درون‌سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج میان شرکت‌ها و سهامداران عمده آن‌ها، سیستم‌های رابطه‌ای نیز گفته می‌شود. اصولاً در این‌گونه سیستم‌های حاکمیت شرکتی به دلیل تحقق‌نیافتن تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت و تاثیر سایر عوامل محیطی، پاسخگویی در سطح پایینی قرار دارد. دور نبودن فیزیکی و ذهنی سهامدار عمده از شرکت در این مورد نقشی اساسی ایفا می‌کند و در نتیجه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

پاسخگویی به مثابه وظیفه مدنظر مدیران حرفه‌ای نیست. در نتیجه فقط الزام قانونی، موجب رعایت آن درحد و حدود الزام قانونی است. [۸۰]

با توجه به ویژگی های سیستم های حاکمیت شرکتی به نظر می‌رسد حاکمیت شرکتی در ایران بیشتر به سیستم درون‌سازمانی نزدیکتر است. با توجه به وجود بازار سرمایه و تلاش های انجام شده در مورد گسترش آن، سیستم حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی در ایران مطرح است و موضوعیت دارد.

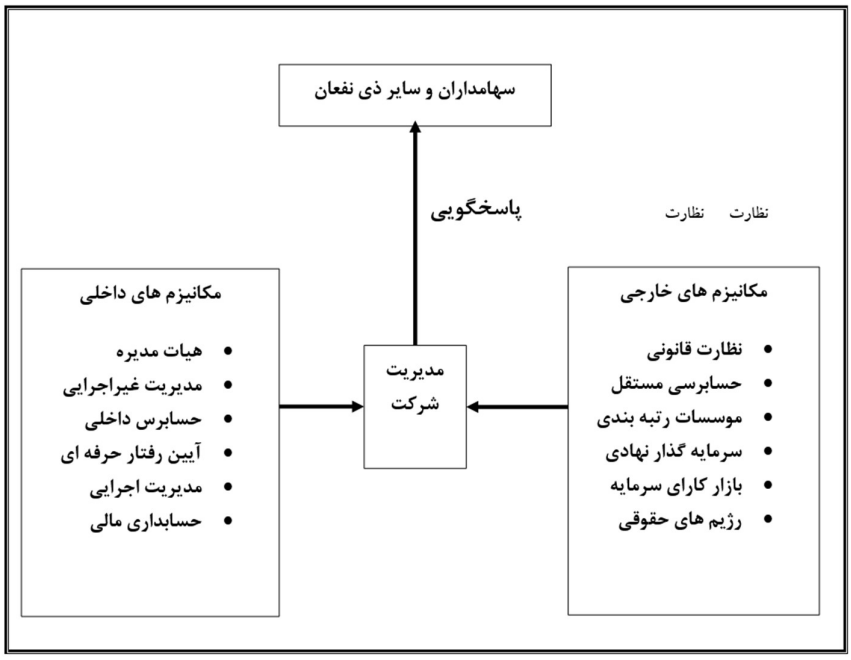

روابط برقرار شده از طریق مکانیزم های داخلی و خارجی [۸۱]

اهمیت نظام حاکمیت شرکتی در ایجاد حس اعتماد سرمایه‌گذاران، افزایش کارآیی و شفافیت بازار سرمایه و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی کشورها امری بدیهی است. در ایران به چند دلیل این امر اهمیت بیشتری یافته است:

۸۰. حساس یگانه، یحیی، مفاهیم حاکمیت شرکتی، مجله حسابدار شماره ۱۶۷، ۱۳۸۴، ص ۳۵

۸۱. حساس یگانه، یحیی، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، مجله حسابدار شماره ۱۶۸، ۱۳۸۴، ص۱۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

الف) خصوصی‌سازی و اجرای اصل ٤٤ قانون اساسی

در حال حاضر با توجه به ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اهتمام دولت محترم جمهوری اسلامی‌ایران، سازمان خصوصی‌سازی و سازمان بورس اوراق بهادار به اجرای آن از طریق واگذاری شرکت‌های دولتی و کاهش تصدی‌گری دولت، وضعیت کشور در حال گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی است. با عنایت به اینکه موفقیت در فرآیند خصوصی‌سازی مستلزم اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه است، بنابراین اتخاذ راهکارهای لازم به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت‌های مشمول واگذاری امری گریزناپذیر است. در این راستا یکی از مهمترین و اثربخش‌ترین سازوکارها، استقرار نظام حاکمیت شرکتیِ مناسب و موثر است؛ و در گام نخست، تدوین مقررات حاکمیت شرکتی مناسب نقشی مهم و اساسی در موفقیت این فرآیند و در نهایت رشد اقتصادی کشور خواهد داشت و همانگونه که در مقاله نیز اشاره شده است، تجربیات سایر کشورهای در حال گذار موید اهمیت مقوله حاکمیت شرکتی در فرآیند خصوصی‌سازی است. ضمن اینکه، این مقررات باید متناسب با وضعیت حقوقی، اقتصادی، ساختار مالکیت در بیشتر موارد شرکت‌ها و سایر عوامل پیش‌گفته تدوین شود.[۸۲]

ب) اصلاح قانون تجارت

با توجه به اینکه ارکان اصلی اصول حاکمیت شرکتی مانند ساختار، ترکیب و وظایف هیات‌مدیره، سازوکارهای استقلال و نظارت بر هیات‌مدیره، حق رأی سهامداران، سازوکارهای حمایت از حقوق سهامداران اقلیت و. . . در قانون تجارت تعریف می‌شود، در نظر گرفتن اصول حاکمیت شرکتی در اصلاح قانون تجارت گامی مهم و اساسی در استقرار نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌ها و در نتیجه حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران خواهد بود.

بدیهی است در صورتی که اصول کلی حاکمیت شرکتی متناسب با وضعیت و ساختار حقوقی، قانونی، سیاسی و اقتصادی کشورمان در قانون تجارت لحاظ شود و ضمانت اجرای مناسب برای آن در نظر گرفته شود، قابلیت اجرای خوبی خواهد داشت. در این رابطه می‌توان از تجربیات کشورهایی که نزدیکی بیشتری با وضعیت کشور ما دارند، استفاده کرد.

ج) تدوین مقررات حاکمیت شرکتی در بورس اوراق بهادار

با عنایت به اینکه در حال حاضر مقررات مربوط به حاکمیت شرکتی در بورس اوراق بهادار در حال تدوین است، توجه به تجربه سایر کشورها و مهمتر از آن لحاظ کردن ویژگی‌های خاص کشور ما امری

۸۲. حساس یگانه، یحیی، مداحی، آزاده چالش‌های استقرار نظام حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷، ص۲۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اجتناب‌ناپذیر است. زیرا همانگونه که در مقاله نیز ذکر شده است مقررات نامناسب حاکمیت شرکتی نه تنها سبب پیشرفت شرکت‌ها نخواهد شد بلکه به آنها آسیب می‌رساند. [۸۳]

براساس آنچه گفته شد، باید به این نکته توجه نمود که در نظام حقوقی ایران علاوه بر آنچه در عمومات مربوط به مسئولیت مدنی بر عملکرد مدیران شرکتها حکومت دارد، تمهیداتی در حال اتخاذ است که اصول حاکمیت شرکتی در این فرآیند حاکم باشد. در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و نیز ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار طبق بندهای ۸، ۱۱ و ۱۸ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب آذرماه ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی) و با هدف اجرای ماده ۳۵ دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران (اصلاحیه مصوب ۱۳۹۰/۰۵/۱۵)، پیش نویس دستورالعمل راهبری شرکتی در نظام حقوقی ایران در دست بررسی است که در صورت تصویب مقررات ویژه ای بر عملکرد مدیران شرکتهای پذیرفته شده در بورس ایران اعمال خواهد شد.

براساس این پیش نویس اعضای هیئت مدیره باید دارای تحصیلات، تجربه و مدارک حرفه‌ای مربوط و معتبر بوده و از دانش و مهارت کافی در حوزه موضوع فعالیت شرکت برخوردار باشند. تعداد اعضای هیأت مدیره باید به میزانی باشد که امکان انجام بحث‌های سودمند و تصمیم‌گیری منطقی و همچنین نظارت کافی در ارتباط با امور شرکت فراهم باشد. اکثریت اعضای هیأت مدیره باید غیرموظف باشند و تعداد مدیر یا مدیران مستقل هیأت مدیره نباید کمتر از ۲۰ درصد تعداد کل اعضای هیأت مدیره باشد. [۸۴]

هیأت مدیره باید با اتخاذ رویه‌های مناسب، در چارچوب قوانین و مقررات، حقوق سهامداران از جمله موارد زیر را حفظ کند:

حضور و اعمال رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام؛

دسترسی به اطلاعات به موقع و قابل اطمینان شرکت؛

تملک و ثبت مالکیت سهام؛

سهیم بودن در منافع شرکت؛

دریافت به‌موقع سود سهام[۸۵].

هیأت مدیره باید کنترل داخلی اثربخش را به منظور حصول اطمینان معقول از حفاظت از دارایی‌ها و منابع شرکت در برابر اتلاف، تقلب و سوء استفاده، تحقق کارایی و اثربخشی عملیات شرکت، کیفیت گزارشگری مالی و رعایت قوانین و مقررات، مطابق با ضوابط و مقررات سازمان برقرار نماید.[۸۶]

---

۸۳. همان

۸۴. ماده ۲ پیش نویس دستورالعمل اجرایی راهبرد حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس ایران

۸۵. ماده ۹ پیش نویس دستورالعمل اجرایی راهبرد حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس ایران

۸۶. ماده ۱۰ پیش نویس دستورالعمل اجرایی راهبرد حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس ایران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

همچنین هیأت مدیره موظف است رویه‌ای را در شرکت مستقر کند تا از رعایت کامل الزامات افشای اطلاعات مقرر در قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌های آن و سایر قوانین و مقررات موضوعه اطمینان حاصل کند.[۸۷]

ب) مسئولیت مدیران شرکتها در نظام حقوقی امارات

در کشور امارات متحده عربی شرکتهای تجاری دارای اقسامی از قبیل شرکت های مختلط غیر سهامی، شرکت های تضامنی، شرکت مشارکت تجاری، شرکت های سهامی خاص، شرکت با مسولیت محدود، شرکت مختلط سهامی، (توصیه بالا سهم)[۸۸]می باشند. موضوع وظایف و مسئولیتهای مدیران شرکتها در امارات متحده عربی و تکالیف ایشان در صورت نقض تعهدات، از مواردی است که در قوانین جدید مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. وظایف مدیران در درجه اول در قانون شرکت های امارات متحده عربی و علاوه بر آن در قانون مدنی امارات متحده عربی، قانون معاملات تجاری امارات متحده عربی و در قانون مجازات امارات متحده عربی پیش بینی شده است. علاوه بر این، در اسناد اساسی شرکت مانند تفاهم نامه و اساسنامه که مجموعه ای از اهداف و قوانین داخلی شرکت می باشد نیز چنین پیش بینی هایی صورت گرفته است. [۸۹]به طور کلی، در امارات متحده عربی چند وظیفه بر عهده مدیر شرکت قرار گرفته است. قانون امارات متحده عربی شامل مجموعه ای قابل مقایسه با وظایف مثبت نیست. با این حال، قانون امارات متحده عربی حاوی مقرراتی است که مدیرعامل و مدیران هیأت مدیره شرکت در برابر خسارتهایی که وارد می نمایند به صورت شخصی متحمل شوند.

نتیجه گیری

در آیین نامه حاکمیت شرکتی تأکید ویژه ای در استقرار نظام حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی شده و رابطه بین مدیران و حسابرسان مستقل از طریق کمیته حسابرسی شکل می گیرد. استقرار سیستم کنترلهای داخلی و به ویژه نظارت کمیته حسابرسی باعث افشای به موقع اطلاعات و اجتناب از نوسانات شدید سودهای برآوردی و دستکاری در قیمتها شود.

حاکمیت شرکتی یک مجموعه روابطی بین سهامداران و مدیران و حسابرسان شرکت که متضمن برقراری نظام کنترلی بمنظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای درست مصوبات مجمع و جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی می باشد. این قانون که مبتنی بر نظام پاسخگویی و مسئولیت اجتماعی استوار است

۸۷ ماده ۲۶ پیش نویس دستورالعمل اجرایی راهبرد حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس ایران

۸۸ ماده ۵ قانون شرکتهای امارات متحده عربی، ترجمه؛ علی رحمانی

89. Latham & Watkins LLP,Charles Fuller, Nicholas S. O'Keefe and Christopher,Lester Overview of the public M&A regime in the UAE, http://www.lexology.com/library/detail. aspx?g=f85e5c4d-8351-48f2-bf4f-0c5c3dafbad6. 2014/02/14

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مجموعه ای از وظایف مسئولیتهایی است که باید توسط ارکان شرکت صورت گیرد تا موجب پاسخگویی و شفافیت گردد.

توسعه بازار سرمایه و اهمیت حفظ حقوق سرمایه گذاران، افزایش مسئولیت های قانونی اعضای هیئت مدیره، افزایش مسئولیت های قانونی مدیران عامل، افزایش مسئولیت های قانونی مقام مالی شرکت ها و افزایش مسئولیت های قانونی حسابرسان از جمله دلایل اهمیت استقرار نظام راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) است.

هدف اصلی قانون حاکمیت شرکتی شفاف سازی و پاسخگویی در بازار سرمایه می باشد لذا چنانچه در کشوری به موضوع پاسخگویی و شفافیت توجهی نشود و یا اساساً موضوع حکمرانی خوب مطرح نباشد آئین نامه حاکمیتی شرکتها کارساز نخواهد بود. چون ساز و کار حاکمیتی برخورد جدی با تخلفات شرکتها و مدیران آنها می باشد که در این مورد در ایران سابقه خاصی وجود ندارد لذا ضرورت دارد اجرای آئین نامه حاکمیت شرکتی به صورت جدی و فارغ از جریانهای سیاسی به مورد اجرا گذاشته شود. البته علاوه بر این در نظام حقوقی ایران براساس قواعد عام مسئولیت مدنی و کیفری، مدیران شرکتها در صورت تخلف از وظایف خود مسئول عملکرد خویش محسوب می شوند. و ملزم به جبران خسارات ناشی از عملکرد خویش می باشند. اما اگرچه در هر دو نظام حقوقی ایران و امارات متحده عربی موضوع مسئولیت مدیران مطرح است و حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار گرفته است اما هنوز چالشهای مهمی در سر اجرای این قواعد وجود دارد. هر دو نظام حقوقی برای آنکه توان رقابت گسترده با بازارهای مالی مهم جهانی را داشته باشند نیازمند ایجاد تغییرات گسترده در به کارگیری حاکمیت شرکتی بوده و باید تلاش نمایند از این راهبرد اساسی، در یک فرآیند قانون گذاری شده و التزام بخش بهره گیرند.

به عنوان نقاط قوت بورس اوراق بهادار می توان به زمانی می کارایی داشته بورس اشاره کرد که پیوسته جریان منظمی از منابع مالی را به طرف خود جذب کند ودر اختیار متقاضیان سرمایه قرار دهد و قوانین ومقررات ورود شرکت ها به بورس را آسانتر نماید، شرکت ها ی دولتی نیز باید نسبت به اصلاح ساختار مالی و رفع مشکلات ورود به بورس و استفاده از نظرات مشاوره ای کارگزاران و کارشناسان بورس بیشتر از گذشته اهتمام ورزند.

خصوصی سازی (از طریق بورس اوراق بهادار) در شرایطی بیشترین تاثیر را دارد که بخشی از یک برنامه وسیعتر اصلاح اقتصادی واجتماعی باشد مزایای خصوصی سازی هنگامی مشخص می شود که دولت محیطی رقابتی ایجاد نماید، رویه های مناسبی برای کاهش هزینه و افزایش کیفیت فراهم کند و جهت جلوگیری از بی عدالتی وفساد، قوانین موثری تنظیم نماید.

تمایل وتوانایی مشارکت سرمایه گذاران داخلی وخارجی مبتنی بر موفقیت اصلاحات اقتصادی و توانایی دولت در تاسیس موسسات اعتباری قوی در حمایت از بخش خصوصی است در چنین فضایی کارفرمایان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

می توانند ریسک کنند و تجربه بدست آورند. در چنین شرایطی می‌توان امیدوار بود که دولت‌ها زیر بناهایی فراهم کنند که هزینه‌ها را کاهش می‌دهد وکارایی تولید، توزیع وتجارت را افزایش می دهد.

از طرفی فرآیند خصوصی سازی (از طریق بورس اوراق بهادار) در ایران در صورتی به موفقیت نزدیک خواهد شد که دولت بستر مناسب پیاده سازی آن را فراهم نموده باشد و به دور از شتابزدگی وفقدان برنامه جامع همراه باشد و خود نقش ناظر وهدایت کننده را به عهده گیرد تا بتوان به عدالت اجتماعی، توزیع مناسب ثروت در کشور، استفاده بهینه از امکانات و منابع کشور، اشتغال زایی، کاهش هزینه های دولت، کاهش تورم، سرمایه گذاری های مولد، صادرات بیشتر، رقابت محصولات تولیدی داخل با بازارهای جهانی، افزایش سرمایه گذاری های خارجی در کشور، کاهش بهای تمام شده محصولات تولیدی، فراهم شدن زمینه های لازم جهت پیوستن به سازمان تجارت جهانی **(W.T.O)**، و پیوستن به بورس های مهم جهان در کشو ر فراهم آید.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آدوار، جف، بازارها و نهادهای مالی، ابراهیم عباسی، علی آدوسی، تهران، بورس اوراق بهادار تهران
ـ اسکینی، ربیعا، ، ۱۳۷۸ حقوق تجارت شرکتهای تجاری، جلد اول، تهران، سمت
ـ اسکینی، ربیعا، ۱۳۷۸ حقوق تجارت شرکتهای تجاری، جلد دوم، تهران، سمت
ـ اسماعیل پور، امیرحسین، ۱۳۸۵، رمضان زاده، عبدالرضا، شناخت در بورس، تهران، دانش پژوهان جوان
ـ بادینی، حسن، ۱۳۸۴، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار
ـ باقری، ۱۳۹۰، نقش حقوق شرکت ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی، تهران، انتشارات دادگستر، چ۲.
ـ پاسبان، ۱۳۸۹، حقوق شرکتهای تجاری: تهران، انتشارات راه نور، ج۲.
ـ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، جلد دوم انتشارات گنج دانش چاپ اول
ـ حسنی، حسن، ۱۳۸۵، حقوق تجارت، تهران، نشر میزان
ـ سازمان بورس اوراق بهادار، کتابچه اینترنتی، معرفی اجمالی بازار سرمایه ایران
ـ ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۹۰، حقوق تجارت، جلد سوم، دادگستر
ـ شهرآبادی، ابوالفضل، یوسفیان پور، امیر قربان برارنیا ادبی، ۱۳۹۰ معرفی صنعت بورس اوراق بهادار روندها و پیشرفت ها، تهران، سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس تهران
ـ شهرآبادی، ابوالفضل، مسلمی، الهام، ۱۳۹۲، فدراسیون ها و انجمن های بین المللی بازار سرمایه، بورس
ـ صدر، سید موسی، ۱۳۷۵، اقتصاد در مکتب اسلام، مکتبۀ االعالم الاسلامی
ـ عرفانی، محمود، حقوق تجارت، . جلد پنجم، جنگل، ۱۳۹۱
ـ فقهی کاشانی، ۱۳۸۵، تبدیل به اوراق بهادار سازی دارایی ها (وامها)در صنعت بانکداری: کرج، انتشارات کسرایی، ج۳.
ـ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، حقوق مدنی، تهران، گنج دانش
ـ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، الزامهای خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران
ـ معین، محمد، ۱۳۵۴، فرهنگ فارسی معین، جلد اول انتشارات امیر کبیر چاپ سوم
ـ مشاوران و کارشناسان مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۸۹، نهادهای مالی: راهنمای قانون بازار اوراق بهادار، تهران، سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس تهران
ـ یگانه، فریدون، ، ۱۳۸۸حقوق بازرگانی، تهران، انتشارات اشک قلم
ـ آقانظری، حسن، ۱۳۹۲، مبانی فقهی ـ اقتصادی نهادهای مالی بازار سرمایه اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ـ اسکینی، ربیعا؛ شریفی آل هاشم، سید الهام الدین، ۱۳۷۹، تحلیل اختیارات مدیران شرکتهای سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظامهای حقوقی ایران و انگلیس، مدرس علوم انسانی، زمستان – شماره ۱۷

ـ اکبری، سجاد، ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی معاملات بازار بورس با عقود اسلامی، مجله رشد، دوره ۳، شماره ۲، زمستان

ـ باقرزاده، مجتبی، ۱۳۷۷، شیوه های جبران خسارت در مسئولیت مدنی خارج از قرارداد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)

ـ بی نا، چرا حاکمیت شرکتی، بورس، خرداد ۱۳۹۱ – شماره ۹۹

ـ حسنی، علیرضا، هاشمی، سید رضا، ۱۳۸۹، رسانه ها و مسئولیت مدنی، ماهنامه قضاوت، مهر و آبان، شماره ۶۶

ـ زارعی، رضا؛ ایرانی، هادی؛ ایرانی، مهدی، ۱۳۹۲، حاکمیت شرکتی: بررسی اصول و مبانی و مفاهیم، بورس، شماره ۱۰

ـ سرآبادانی، غلامرضا، ۱۳۷۷، نگرش اسلام بر فعالیت بازار بورس اوراق بهادار و بررسی موردی بازار بورس تهران در سال های ۷۷- ۱۳۷۳، طرح پژوهشی، معاونت امور اقتصادی

ـ سلامی، موسی رضا، ۱۳۸۷، مسئولیت کیفری مدیران شرکت ها تجاری در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه قم

ـ صالح آبادی، علی، ۱۳۹۲، بررسی عملکرد بازار سرمایه در دولت های نهم و دهم، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی ویژه نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال یکم، شماره ۲، تابستان

ـ صالح آبادی، علی، ۱۳۹۰، بورس بازی در بازار سهام از دیدگاه اسلام، دوره آمادگی هجدهمین آزمون گواهینامه های حرفه ای بازار سرمایه – اصول بازار سرمایه اسلامی

ـ عدل آذر، صالح آبادی، علی، ریاحی، حامد، ۱۳۹۱، تاجمیر بررسی کارایی شرکت‌های کارگزاری بر اساس معیارهای عملکرد حرفه‌ای (رویکرد **DEA**)، فصلنامه بورساوراق‌بهادار شمارهٔ ۱۹، سال پنجم

ـ عسگری توانی، علی، ۱۳۸۳، ماهیت حقوقی رابطه مدیر با شرکتهای تجاری، دادرسی، آذر و دی، شماره ۴۷

ـ فنایی، سید مجتبی. ۱۳۸۸، خودآموز بورس، تهران، سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس تهران

ـ قالیباف اصل، حسن؛ ۱۳۹۲، جعفری، سیده محبوبه، حاکمیت شرکتی و توسعه بازار سرمایه، بورس: اردیبهشت – شماره ۱۰

ـ کیانی؛ رضا، حسین طاهری، محمد، ۱۳۸۵، مروری بر الزامات و عملکرد شرکت های کارگزاری در مالزی، اقتصاد « بورس »، شماره ۵۴ و ۵۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ـ کیمیایی طلب، حمیدرضا، ۱۳۸۶، تعهدات قراردادی کارگزاران بورس اوراق بهادار در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشگاه قم

ـ محسنی دمنه، قاسم، ۱۳۸۵، نهادهای مالی در قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد شماره ۵۷

ـ حساس یگانه، یحیی، ۱۳۸۴، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، مجله حسابدار شماره ۱۶۸

ـ حساس یگانه، یحیی، ۱۳۸۴، مفاهیم حاکمیت شرکتی، مجله حسابدار شماره ۱۶۷

ـ حساس، یگانه، تأثیر حاکمیت شرکتی در گسترش بازار سرمایه برخی از کشورها، مجله حسابدار، سال بیستم، شماره ۱۷۲

ـ زارعی، محمد، ۱۳۶۹، بورس اوراق بهادار و چشم انداز آن، نشریه روند، شماره ۳

ـ قانعی، علی، (۱۳۸۸). بازار سرمایه در ایران و امارات متحده، روزنامه دنیای اقتصاد –شماره۲۹۳۴

ـ مکرمی، یدالله، ۱۳۸۵، اصول نظام راهبری بنگاه، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۲

ـ میرزایی منفرد، غلامعلی، ۱۳۸۸، آشنایی اجمالی با هیات داوری و فرآیند تشکیل پرونده در دبیرخانه هیئت داوری، بورس، شماره ۸۴

ـ نوری، مهدی، بورس و اهمیت اقتصادی آن، نشریه هامانه، شماره نود

ـ نیکومرام، هاشم، قائی، نسرین، علیرضایی، محمدرضا، ۱۳۸۴، ارزیابی کارایی شرکتهای سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به کمک مدلهای محک زنی ریاضی تحلیل پوششی داده‌ها، پژوهشنامه اقتصادی » بهار - شماره ۱۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]